



## A Critical Analysis of the Entry “Love (Ḥubb)” in the Encyclopaedia of the Qur’ān (Leiden)\*

Saeed Hedayat-Shohadeh<sup>1</sup> and Mohammad Hasan Zamani<sup>2</sup> and Mehdi Abbasi<sup>3</sup> and

Mohammad Javad Hamzehpoor<sup>4</sup>



### Abstract

This paper analyzes and critiques the entry “Love and Affection (Ḥubb)” by the French Orientalist Denis Gril in the Encyclopaedia of the Qur’ān (Leiden). Gril examines God’s love for humans, human love for God and others, and love between men and women through the Qur’anic keywords ḥubb and wudd, identifying God as the source and ultimate goal of love. However, he confines love to the circle of believers. Using library resources and a descriptive-analytical method, this study seeks to clarify the Qur’anic concept of love and address questions and ambiguities that may arise for readers of Gril’s entry. Among the strengths of Gril’s article are the precise selection of keywords, efforts to collect and categorize relevant verses, avoidance of incorporating tradition or exegetical opinions into his analysis, attributing the realization of love to divine will, and emphasizing the necessity of aligning love with faith for its validity. However, the article suffers from several weaknesses, including a lack of logical coherence, digressions, and the absence of a clear conclusion. Content-wise, it overlooks the lexical meanings of maḥabbah (love) and mawaddah (affection), lacks an analysis of the concept of love in God, fails to provide a clear picture of divine will in the realization of love, neglects the hierarchical levels of love, wrongly contrasts human love for God with love for the world, and claims that the Qur’an pays little attention to love in spousal relationships. This study, through a structured report on Gril’s article, an explanation of the lexical meanings of key terms, an exploration of the nature of love and divine will, an analysis of the levels of love, and a clarification of the role of love in spousal relationships, aims to address the article’s shortcomings and provide a more comprehensive understanding for its readers.

**Keywords:** Encyclopaedia of the Qur’ān (Leiden), Denis Gril, Love (Maḥabbah), Orientalists, Affection (Mawaddah).

\*. **Date of receiving:** 22 April 2024; **Date of correction:** 9 August 2024; **Date of approval:** 6 November 2024.

1. Ph.D. Candidate in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, “Corresponding Author”; (hedayatshodeh@gmail.com).
2. Associate Professor, Department of Comparative Quran Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (mhzamani@yahoo.com).
3. Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Institute for Quranic and Hadith Research, Qom, Iran; (abbasi.ym@gmail.com).
4. Ph.D. Candidate in Islamic Psychology, Imam Khomeini (RA) Research Institute, Qom, Iran; (mohammadjavadamzehirpoor68@gmail.com).



## بررسی مدخل «حُب» در دایرة المعارف قرآن لیدن \*

سعید هدایت‌شده<sup>۱</sup> و محمدحسن زمانی<sup>۲</sup> و مهدی عباسی<sup>۳</sup> و محمدجواد حمزه‌پور<sup>۴</sup>



### چکیده

نوشته حاضر به تحلیل و نقد مدخل «حُب» (Love and Affection)، اثر خاورشناس فرانسوی دنیس گریل (Denis Gril) در دایرة المعارف قرآن لیدن می‌پردازد. گریل محبت خداوند به انسان، محبت انسان به خدا و دیگر انسان‌ها و محبت میان زن و مرد را با کلیدواژگان «حَبَّ» و «وُدَّ» در قرآن بررسی کرده و خداوند متعال را منشأ و غایت محبت دانسته است؛ با این حال، وی محبت را به دایرة مؤمنان محدود می‌کند. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، در پی روشن ساختن مراد خداوند از مفهوم محبت در قرآن و پاسخ به پرسش‌ها و شبهاتی است که ممکن است در مطالعه مدخل «حَبَّ» به ذهن مخاطبان خطور کند. از نقاط قوت مقاله گریل می‌توان به انتخاب دقیق کلیدواژگان، تلاش در گردآوری و دسته‌بندی آیات، پرهیز از دخالت دادن سنت و دیدگاه مفسران در تحلیل آیات، منشأ دانستن اراده الهی در تحقق محبت، و تأکید بر لزوم سازگاری محبت با ایمان برای رسمیت یافتن آن اشاره کرد. با این حال، مقاله از برخی کاستی‌ها نیز رنج می‌برد؛ از جمله، عدم رعایت انسجام منطقی، خروج از بحث، و نبود جمع‌بندی مشخص. در بُعد محتوایی نیز، بی‌توجهی به معنای لغوی «محبت» و «مودت»، فقدان تحلیل از معنای محبت در خداوند، نداشتن تصویری روشن از اراده الهی در تحقق محبت، بی‌توجهی به مراتب محبت، معارض دانستن محبت انسان به خدا با محبت دنیا، و ادعای توجه لندک قرآن به محبت در روابط زن و مرد، از ضعف‌های مقاله به شمار می‌رود. پژوهش حاضر، با ارائه گزارشی ساختارمند از مقاله گریل، تبیین معنای لغوی کلیدواژگان، بررسی حقیقت محبت و اراده الهی، تحلیل مراتب محبت، و تشریح جایگاه محبت در روابط زن و مرد، می‌کوشد تا کاستی‌های مقاله را برطرف کرده و آن را برای مخاطبان تکمیل کند.

واژگان کلیدی: دایرة المعارف قرآن لیدن، دنیس گریل، محبت، مستشرقان، مودت.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹؛ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶.

۱. دانشجوی دکتری رشته قرآن و روانشناسی، جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران، «نویسنده مسئول»: (hedayatshodeh@gmail.com)

۲. دانشیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران: (mhzamani@yahoo.com)

۳. استادیار گروه روانشناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران: (abbasi.y@gmail.com)

۴. دانشجوی دکتری روانشناسی اسلامی موسسه علمی پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران: (mohammadjavadhampoor68@gmail.com)



## مقدمه

عشق و محبت انسان به کمال مطلق، یعنی خداوند متعال، حقیقتی فطری است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۸۶). چنان‌که احساس علاقه و تمایل انسان به خود، هم‌نوعان، اشیا، حیوانات، یا فعالیت‌های خاص، شاخه‌ها و فروعی از حب ذات‌اند. هر موجود ذی‌شعوری، از آن‌جا که خود را دوست دارد، بقای خویش و کمالاتش را نیز دوست می‌دارد و به همین دلیل، به اموری تمایل پیدا می‌کند که در ادامه حیات یا تکامل او مؤثر باشند. در حقیقت، این میل‌ها و رغبت‌ها، وسایلی هستند که دست‌آفرینش در نهاد هر موجود ذی‌شعوری قرار داده است تا او را به‌سوی اموری که به آن‌ها نیاز دارد سوق دهند (مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۵۲۱/۲).

بنابراین، عشق و محبت، حقیقتی فطری است که هر انسانی آن را به علم حضوری و بدون واسطه صورت ذهنی درک می‌کند. از این‌رو، تصور و تصدیق آن بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد. باین‌حال، برای توصیف این حقیقت در قالب الفاظ، انسان ناگزیر است ابتدا آن را به‌صورت حصولی تصور کند و سپس یافته‌های درونی‌اش را با الفاظی بیان نماید تا برای دیگران قابل درک باشد (مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۱۵۶/۱).

همچنین، باید توجه داشت که محبت از اوصاف حقیقیه ذات‌اضافه است؛ یعنی انسان محب، یقیناً محبوبی دارد و ملاک محبت او، ادراک کمال محبوب است. اگر کمال محبوب یا ادراک‌کننده کمال ضعیف باشد، یا معرفت محب نسبت به محبوبش اندک باشد، عشق و محبت ضعیف‌تر خواهد بود. اما اگر ادراک‌کننده قوی باشد، ادراک او مؤکد گردد، و محبوب نیز از کمالی تام برخوردار باشد، محبت به مراتب قوی‌تر و شدیدتر خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۱۴۰/۲).

بر این اساس، از یک‌سو، ادراک حضوری محبت، و از سوی دیگر، تبیین حصولی آن در قالب تصورات و الفاظ، و نیز تفاوت محبوب‌ها در کمال و نقص و نحوه ادراک عاشق از محبوب، سبب شده است که: ۱. بحث از مفهوم عشق و محبت، سابقه‌ای به قدمت بشر داشته باشد. چنان‌که پترسون و سلیگمن، در توضیح گستره پژوهش‌های مرتبط با این مفهوم، می‌نویسند: غالباً مطرح شده است که محبت و عشق، پدیده‌ای نسبتاً مدرن و کاملاً غربی است. اما در حقیقت، عشق در همه شکل‌های آن، در اعماق تمدن‌های باستانی، از مصر تا چین و آفریقا، مشهود بوده است. در طول قرن‌ها، بسیاری از متفکران بزرگ، از افلاطون تا استندال، درباره عشق نوشته‌اند و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است (پترسون، چ، ۱۳۸۳: ۲۹۵)؛ ۲. تفاسیر و تبیین‌های متفاوتی از عشق و محبت ارائه شود، به‌گونه‌ای که هر فرد، بر اساس مبانی و اعتقادات خود، آن را به‌گونه‌ای خاص تفسیر کند؛ ۳. در این

میان، تبیین و توصیف خداوند متعال از محبت و عشق، در قرآن کریم، برای ما اهمیت ویژه‌ای پیدا کند؛ چراکه خداوند، به‌عنوان خالق هستی و آفریننده فطرت انسانی، از همه موجودات، و حتی از خود انسان، نسبت به این حقیقت آگاه‌تر است. تنها اوست که می‌تواند این حقیقت را در قالب الفاظی صحیح و مناسب به تصویر بکشد، انسان را نسبت به این امر فطری متنبه سازد، و غبار غفلت را از حقیقت عشق، محبوب، و کمال واقعی بزدايد.

در این راستا، دایرةالمعارف قرآن لیدن (جین دامن مک‌اولیف، ۲۰۰۳: ۲۳۳/۳-۲۳۷) در مدخلی که در فارسی تحت عنوان «حُب» ترجمه شده است (۴۲۶/۲-۴۳۰)، تلاش کرده دیدگاه قرآن کریم را در موضوع محبت و عشق گردآوری کرده و به مخاطبان خود ارائه دهد.

با توجه به این‌که دانشنامه لیدن، از آثار موفق در پژوهش‌های قرآنی به‌شمار می‌رود و انگیزه‌ای برای تحقیقات گسترده‌تر در زمینه قرآن شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۵۸)، و همچنین، از آنجا که این دانشنامه، راهنمایی برای جوانان غربی در شناخت مفاهیم قرآنی به‌شمار می‌رود و برخی نویسندگان و پژوهشگران از آن در تفسیر و فهم آیات قرآن کریم بهره می‌برند، و از سوی دیگر، جست‌وجو در پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون، نوشته‌ای در نقد این مقاله یا بررسی تطبیقی مفهوم عشق و محبت از منظر خاورشناسان و قرآن منتشر نشده است، ضروری است که آراء مطرح شده در این مقاله، به‌منظور نشر حقیقت قرآن در موضوع عشق و محبت، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

از این‌رو، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هاست:

۱. محتوای این مقاله چیست؟
۲. کدام یک از مطالب نویسنده صحیح است و نقطه قوت مقاله او به‌شمار می‌رود؟
۳. کدام بخش‌های مقاله دارای ابهام بوده و نیاز به توضیح دارد؟
۴. شبهات و اشکالات مطرح شده در این مقاله چیست و پاسخ آن‌ها چگونه است؟

## الف. معرفی اجمالی نویسنده مقاله

دنيس گریل (Denis Gril)، متولد ۱۹۴۹ میلادی، مستشرق مسلمان، استاد و پژوهشگر بازنشسته دانشگاه بزرگ دولتی ایکس-مارسی فرانسه است. این دانشگاه در استان پروانس، واقع در جنوب غربی فرانسه، در همسایگی ایتالیا و در کنار دریای مدیترانه قرار دارد. حوزه فعالیت وی، مطالعات جهان عرب و اسلام، با تمرکز بر اسلام‌شناسی و گرایش به تصوف است. او همچنین عضو قطب علمی تاریخ و اسلام‌شناسی با گرایش اعمال و اشیاء است.



حوزه تخصصی دنیس گریل شامل ترجمه آثار ابن عربی، تاریخ تصوف، مبانی کتاب مقدس، و بررسی تفاسیر صوفیانه قرآن می‌شود. او دوران کودکی خود را در محیطی مسلمان و مرتبط با تصوف سپری کرده و علت گرایش والدینش به اسلام را آشنایی آن‌ها با آثار رنه گنون (René Guénon) می‌داند. گنون که با نام شیخ عبدالوحید یحیی نیز شناخته می‌شود، نویسنده آثار متافیزیکی مهمی درباره سنت‌های شرقی و غربی است. از دیگر افراد تأثیرگذار بر دنیس گریل، میشل والسَن (Michel Vâlsan)، مترجم آثار ابن عربی، بوده است.

دنیس گریل از سال ۱۹۶۸، تحصیل در رشته ادبیات عرب را در دانشگاه سوربن پاریس آغاز کرد. در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱، بورسیه دانشگاه اسلامی مدینه در عربستان سعودی شد که به گفته خودش، تحمل فضای وهابیت در آن‌جا دشوار بوده است. او در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ در دمشق ادامه تحصیل داد و بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶، به‌عنوان سرباز معلم در مدارس الجزایر به تدریس ادبیات عرب پرداخت. سپس، از سال ۱۹۷۶ به مدت پنج سال، در مؤسسه باستان‌شناسی شرق در بخش مطالعات عرب و قبطی در قاهره فعالیت داشت. از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰ نیز، به‌عنوان استاد و پژوهشگر در دانشگاه ایکس-مارسی مشغول به کار بود (www.saphirnews.com).

**آثار و تألیفات:** دنیس گریل بیش از ۶۰ نوشته مستقل و گروهی در قالب کتاب و مقاله منتشر کرده

است. برخی از آثار مهم وی عبارت‌اند از:

- رونمایی از جلوه‌های سفر (چاپ پاریس)
- قدیس و تقدس در مسیحیت و اسلام (چاپ پاریس)
- ترجمه فصل چهارم و هشتم کتاب اشراق مکه ابن عربی (چاپ پاریس)
- تصوف در عصر عثمانی (چاپ قاهره)
- فرهنگ اصطلاحات فنی در علم حدیث (چاپ دمشق)
- ترجمه کتاب «الدرخت و چهار مرغ» ابن عربی (چاپ پاریس)
- ارائه و ترجمه رساله صفی‌الدین ابن ابی‌المنصور (چاپ قاهره) (www.iremam.cnrs.fr/fr/gril-denis).

## ب. گزارشی از محتوای مقاله حُب

این مقاله، که حدود ۲۴۰۰ کلمه دارد، به بررسی استعمال دو واژه «حَبَب» و «وَدَّ» و مشتقات آن‌ها در قرآن کریم می‌پردازد. نویسنده با دسته‌بندی این موارد و ارائه تحلیلی تفصیلی، برخی واژگان مرتبط را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

در ابتدای مقاله، نویسنده توضیح می‌دهد که مراد از محبت و عاطفه، نوعی احساس علقه (وابستگی) است که در درون فرد شکل می‌گیرد و عواملی مانند خویشاوندی یا همدلی آن را برمی‌انگیزند. او سپس استعمال کلیدواژگان بحث را در قرآن به دو بخش کلی تقسیم می‌کند: ۱. محبت نسبت به خداوند متعال؛ ۲. محبت نسبت به انسان‌ها.

**محبت نسبت به خداوند:** در این بخش، نویسنده بر اساس آیات قرآن، محبت الهی را وابسته به ایمان، صفات و اعمال ایمانی مانند احسان، عدالت، طهارت و پیروی از دستورات الهی می‌داند (مائده: ۴۲ و ۵۴؛ بقره: ۱۹۵؛ توبه: ۱۰۸؛ آل عمران: ۳۱). از سوی دیگر، محبت خداوند شامل انسان‌های کافر، متجاوز، فاسد، متکبر، خیانت‌کار، خودبزرگ‌بین و ظالم نمی‌شود (انفال: ۵۸؛ حج: ۳۸؛ بقره: ۱۹۰؛ قصص: ۷۶ و ۷۷؛ لقمان: ۱۸؛ آل عمران: ۱۴۰).

به اعتقاد نویسنده، نام خاصی که در قرآن برای محبت خداوند نسبت به بندگان به کار رفته، واژه «وَدود» است که به معنای «همیشه و بسیار علاقمند به بندگان» می‌باشد. او این واژه را معادل عشق دانسته و معتقد است که محبت الهی غالباً با ویژگی‌هایی چون رحمت، غفران و بخشش، بر و نیکوکاری همراه است (هود: ۹۰؛ بروج: ۱۴؛ طور: ۲۸؛ مریم: ۱۴).

**قاعده کلی محبت در قرآن:** نویسنده بر این باور است که می‌توان از آیات قرآن، یک قاعده کلی پیرامون محبت استخراج کرد. او در این زمینه می‌نویسد: ابتکار عمل در تحقق محبت با خداوند است، و محبت او به انسان‌ها مقدم بر محبت انسان‌ها به اوست. . . محبت، به معنای عطوفت و دلسوزی، ابتدا از سوی خداوند به انسان‌ها نازل می‌شود و سپس در رابطه میان انسان‌ها با یکدیگر ظهور پیدا می‌کند.

او برای تأیید این دیدگاه، به چند آیه قرآن استناد می‌کند:

- ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده: ۵۴)؛ این آیه نشان می‌دهد که محبت انسان به خدا، در گرو اراده الهی است.

- ﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ (طه: ۳۹)؛ محبت مردم به حضرت موسی (ع)، نتیجه محبت الهی است که در دل او قرار داده شده است.

- ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾؛ (آل عمران: ۳۱) این آیه بیانگر آن است که محبت انسان به خداوند باید از مسیر اطاعت از او و پیامبرانش عبور کند.

- ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ﴾ (مائده: ۱۸)؛ این آیه نشان می‌دهد که ادعای محبت خداوند بدون اطاعت از او، پذیرفتنی نیست.



- ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم: ۹۶)؛ خداوند محبت مؤمنان صالح را در دل دیگران قرار می‌دهد.

این مقاله با تحلیل دقیق آیات قرآنی، تلاش می‌کند تا جایگاه محبت در قرآن را روشن سازد و نشان دهد که محبت الهی، بنیان و سرآغاز تمامی محبت‌هاست.

نویسنده در بخش دوم مقاله خود به محبت انسان می‌پردازد و بیان می‌کند که استعمالات محبت در قرآن را می‌توان در چهار دسته کلی تحلیل و بررسی کرد: ۱. محبت انسان به خدا؛ ۲. محبت انسان به دیگر انسان‌ها در روابط اجتماعی؛ ۳. محبت زن و مرد؛ ۴. محبت انسان به زندگی مادی و دنیا. محبت انسان به خدا: نویسنده محبت انسان به خدا را ناشی از اراده الهی دانسته و به این آیه استناد می‌کند:

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده: ۵۴)؛ این آیه نشان می‌دهد که محبت انسان به خدا، در واقع عنایتی از سوی خداوند است.

همچنین او معتقد است که محبت خداوند از سوی انسان، مشروط به اطاعت از او و پیامبرانش است و در این زمینه به این آیه اشاره می‌کند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران: ۳۱)؛ یعنی محبت واقعی به خدا، در گرو پیروی از اوامر الهی است.

محبت انسان به دیگر انسان‌ها در روابط اجتماعی: به اعتقاد نویسنده، محبت انسان به هم‌نوعانش در روابط اجتماعی به طور مطلق مورد تأیید نیست، بلکه زمانی ارزشمند شمرده می‌شود که با ایمان و هم‌سویی با اراده و شریعت الهی همراه باشد. او در این زمینه به آیات زیر اشاره می‌کند: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾؛ (مجادله: ۲۲) این آیه بیانگر آن است که محبت واقعی در روابط اجتماعی باید بر مبنای ایمان باشد، نه صرف روابط خویشاوندی یا اجتماعی.

- ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَاطَنٌ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (مائده: ۵۸) این آیه تأکید دارد که محبت و نزدیکی به دیگران تابع ویژگی‌های معنوی و اخلاقی آنان است، نه صرف تعلق به یک گروه خاص.

- ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه: ۷ و ۸)؛ در این آیه آمده است که محبت و نیکی نسبت به کسانی که با مسلمانان دشمنی ندارند، مجاز است و خداوند انصاف و عدالت را می‌پسندد.

دَنیس گریل در مورد محبت میان زن و مرد می نویسد: قرآن توجه اندکی به مسئلهٔ علاقهٔ زن به مرد یا مرد به زن کرده است. سپس برای تأیید این ادعا، به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. عشق انسانی در قرآن تنها یک‌بار، آن هم با بار معنایی ظاهراً منفی، آمده است. محبت زلیخا به یوسف با تعبیر ﴿قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا﴾ (یوسف: ۳۰) نشان‌دهندهٔ عشقی شورمندانه است که قلب را به جوش و خروش می‌آورد و در این مورد، فقط به زنان نسبت داده شده است. حتی اگر در دوره‌های بعدی، سنت اسلامی برای محبت میان یوسف و زلیخا ارزش بیشتری قائل شده باشد، باید پذیرفت که داستان از ابتدا تا انتها، حول محور محبت یعقوب به یوسف پیش می‌رود؛ محبتی که مورد حسادت برادران بود (یوسف: ۸).

۲. قرآن از علاقهٔ مشروع دختر شعیب به موسی به‌سادگی عبور کرده و به آن نپرداخته است. در این آیه، تنها درخواست دختر شعیب از پدرش برای استخدام موسی بیان شده است: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص: ۲۵).

۳. محبت پیامبر اسلام به زینب یا سایر همسرانش به تفصیل بیان نشده است. در آیات مرتبط با این موضوع (احزاب: ۳۷ و ۵۰-۵۲)، تنها در آیهٔ ۵۱ به محبت زناشویی اشاره شده است؛ آن هم به‌صورت تلویحی، در قالب دستوری به پیامبر که رضایت و آرامش همسرانش را تأمین کند ﴿ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ﴾ (احزاب: ۵۱).

در این آیه، از تعبیر «فَرَّةٌ أَعْيُنٍ» (روشنی چشم) استفاده شده است که در مورد بهشتیان نیز به کار رفته است: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾ (سجده: ۱۷)، که بیانگر ماهیت بهشتی این مفهوم است.

۴. بررسی آیاتی که به ازدواج اشاره دارند، نشان می‌دهد که در آن‌ها بیان مستقیمی از عشق و محبت میان زوجین دیده نمی‌شود. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

- آیاتی که به وحدت اولیهٔ زن و مرد اشاره دارند: ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (زمر: ۶)، که ازدواج را تلویحاً به‌عنوان بازسازی آن اتحاد نخستین معرفی می‌کند.

- آیاتی که محبت میان همسران را از نشانه‌های آفرینش می‌دانند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ - لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). در این آیه، محبت و رحمت میان زوجین، به‌عنوان یکی از نشانه‌های الهی معرفی شده است که موجب معرفت به خداوند می‌شود.

- آیات مرتبط با ازدواج در سوره‌های بقره و نساء: این آیات بیشتر جنبهٔ فقهی و قانونی دارند و بر لزوم التزام به محبت و عطوفت میان زوجین تأکید می‌کنند.





- آیاتی که به علاقه متقابل همسران در ازدواج مجدد اشاره دارند: ﴿إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاصُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره: ۲۳۲). ﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتُمْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ...﴾ (بقره: ۲۳۵)، که اشاره به ابراز غیر مستقیم علاقه در دوران عده دارد.

- آیاتی که بر لزوم برابری در روابط مرد با همسرانش تأکید دارند: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾ (نساء: ۳) ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ...﴾ (نساء: ۱۲۹). مفسران معتقدند که برابری در این آیات، به مسائل مالی و حقوقی مربوط است و شامل محبت قلبی نمی‌شود؛ زیرا محبت در اختیار انسان نیست که بتوان در آن عدالت برقرار کرد.

- آیه‌ای که رابطه زوجین را به پوشش متقابل تشبیه می‌کند: ﴿أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسُ لَهُنَّ﴾ (بقره: ۱۸۷)  
وی در جمع‌بندی این بخش می‌نویسد: «در قرآن، رابطه عاشقانه میان مرد و زن نادیده گرفته می‌شود، مگر آنکه همسران آرمانی و ایده‌آل "قانتات" باشند؛ یعنی زنانی که هم در برابر خدا و هم در برابر شوهرانشان مطیع و مؤمن‌اند: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَحَافُونَ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ (نساء: ۳۴).

دنيس گریل، در توضیح محبت انسان به زندگی مادی و دنیوی، می‌نویسد: «اصطلاح "حَب" و مشتقات آن غالباً برای اشاره به اموری به‌کار رفته که پیش از هر چیز، قلب انسان را فراگرفته‌اند؛ یعنی شهوات و دارایی‌های دنیوی. انسان ناگزیر به خواستن اشیاء و اشخاص سوق داده شده است، نه به خود آنها: ﴿زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَوْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران: ۱۴؛ فجر: ۲۰).  
تقابل میان محبت اشیاء و بازگشت به خدا در ساختار گفتار قرآنی نهفته است، به‌گونه‌ای که ایمان را در برابر گرایش‌هایی مانند کفر و نفاق قرار می‌دهد. به همین دلیل، محبت خدا در مقابل بدترین گناهان نهاده شده است: ﴿وَيُلِّ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾ (ابراهیم: ۲-۳)، ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (بقره: ۱۶۵)، ﴿وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرِهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعُصْيَانَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (حجرات: ۷)، ﴿عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ سَرٌّ لَكُمْ، وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۱۶).

دنيس گریل، آیه شریفه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳) را، با استناد به چهار تفسیر گوناگون، خلاصه‌ای از انواع جهت‌گیری‌های محبت در قرآن می‌داند که همگی محبت را به دایره مؤمنان محدود می‌کنند. وی در این باره می‌نویسد: «همه این تفاسیر مستلزم آن‌اند که محبت در چارچوب مؤمنان باقی بماند. چنان‌که درباره «ولایت» نیز گفته شده است، خدا منشأ و غایت همه چیزهاست و این مسأله به کل قرآن جهت می‌دهد. یعنی محبت و دوستی از جانب خدا می‌آید و تنها به سوی او باز می‌گردد».

نویسنده، در پایان، به بررسی دیدگاه اندیشمندان اسلامی درباره محبت پرداخته و می‌نویسد: «آیات اندک قرآن درباره محبت، به ندرت نویسندگان را تشویق به استخراج مبانی محبت الهی و انسانی کرده است. نشانه‌های جنبه عاطفی محبت، عمدتاً در سنت یافت می‌شود». وی در پایان تأکید می‌کند: «به نظر می‌رسد هیچ نویسنده‌ای تاکنون به گردآوری و ترکیب تمامی آیات قرآن درباره محبت و مفاهیم مرتبط با آن اقدام نکرده است».

### ج. مزایا و نقاط قوت

۱. تلاش نویسنده بر آن است که فقط دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار دهد و از آوردن روایات موضوع محبت خودداری کرده و تفسیر مفسرین را جز در موارد ضروری یا برای جمع‌بندی استفاده نکرده است؛
۲. تلاش نویسنده بر آن است که مقاله‌ای جامع و کامل در موضوع محبت و عشق گردآوری نماید و همه استعمالات قرآنی واژه‌های محبت و مودت را تحت یک دسته‌بندی کلی به مخاطبین ارائه دهد؛
۳. کلیدواژه‌های «حب» و «ود» انتخاب‌های بسیار خوبی در بررسی مفهوم محبت و عشق در قرآن هستند (دنيس گریل، ۱۴۴۳: ۲/۴۲۶)؛
۴. نویسنده به درستی از آیات قرآن برداشت کرده است که حقیقت محبت مخلوق خداوند متعال است (همان)؛
۵. نویسنده به درستی از آیات قرآن برداشت کرده است که رسمیت داشتن یا نداشتن محبت در روابط انسانی، متوقف بر ایمان و سازگاری با اراده و شریعت الهی است (همان، ۴۲۷).

### د. نقد ساختاری

۱. عدم رعایت خط سیر منطقی: آن‌چه که در گزارش ما از متن لیدن ارائه شده است، بعد از چندین مرتبه رفت و برگشت در مطالعه متن نویسنده به دست آمده و بهتر بود دسته‌بندی و سیر منطقی



مطالب به گونه‌ای بیان می‌شد که مخاطب در فهم مطلب با مشکل مواجه نمی‌شد و محتوای مقاله با یک مرتبه مطالعه روشن و مفهوم می‌بود.

۲. خروج از معنای مورد نظر: نویسندگان «Love and Affection» را به معنای احساس درونی علقه و وابستگی تعریف می‌کند و با کلیدواژگان «حُب» و «وَدَّ» به توصیف آن در قرآن می‌پردازد، اما در ادامه محبت را به معنای دلسوزی (compassion) توسعه می‌دهد، ولی کلیدواژگان مرتبط با این معنا مانند «رحمت» و «شفقت» را مورد بررسی قرار نمی‌دهد (همان). ایشان همچنین «رضایت» و «شادمانی» را از واژگانی می‌داند که تلویحاً محبت را می‌رساند (همان، ۴۲۸)، و گویا معنای محبت را توسعه داده است. معلوم نیست نویسندگان می‌خواهد مقاله‌اش را بر اساس معنای خاصی که در ابتدا بیان کرده است، ذیل واژگان محبت و مودت پیش ببرد یا می‌خواهد دیدگاه قرآن را بر اساس معنای کلی که شامل مفاهیم مرتبطی مانند بخشش، رضایت، شادمانی و دلسوزی و غیره می‌شود، برای ما تبیین نماید.

۳. نداشتن نتیجه‌گیری: مقاله ایشان فاقد نتیجه‌گیری است و نتوانسته تبیین موجهی مبتنی بر یافته‌های گذشته‌اش ارائه دهد.

## ه. نقد محتوایی

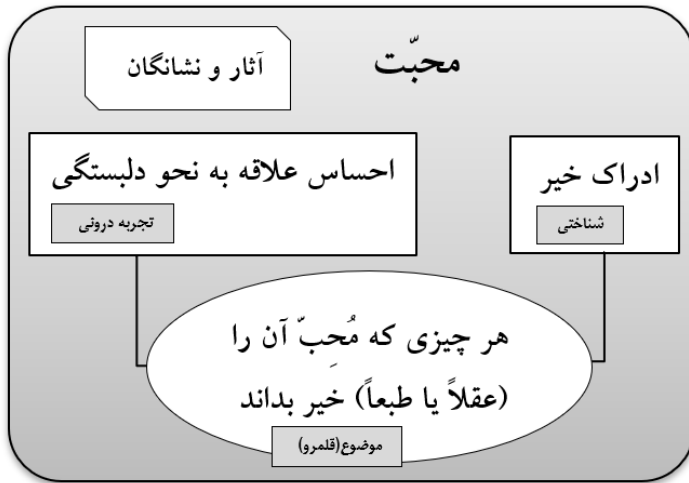
ابهام در توضیح و تبیین مطالب، اشتباه در فهم، و تبیین غلط یک مسأله، همچنین طرح شبهه و اشکال نادرست از جمله مواردی است که در نقد محتوایی مقالات استشرافی باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو، نقدهایی که در این مقاله انجام می‌شود الزاماً به معنای پاسخ به شبهات و اشکالات مستشرقین نیست، بلکه شامل مشخص کردن ابهامات و برداشت‌های نادرست نویسندگان و ارائه تبیین صحیح از مسأله نیز می‌شود.

### ۱. عدم توجه به معنای لغوی «حُب» و «وَدَّ»

اکتفا به ترجمه واژه‌ها در تبیین مراد یک گوینده یا نویسنده کافی نیست، چرا که ترجمه به طور کامل قصد متکلم را روشن نمی‌کند (عبداللهی عابد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۶)، خصوصاً اگر لغتی از ناحیه خداوند حکیم صادر شده باشد، که نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت آن واژه در این استعمال است. از طرفی، یکی از دلایل نزول قرآن به زبان عربی، سبب تعقل و تفکر انسان‌هاست (یوسف: ۱ و ۲)، و همین مطلب نشان می‌دهد که لغت عرب ظرفیت بالایی در رساندن معنا به مخاطب دارد. در استعمالات قرآنی، همان معنای لغوی مورد نظر است، و در مواقعی که معنای دیگری مدنظر باشد، بر

آن قرینه آورده می‌شود. بنابراین، اصل بر این است که اگر لغتی به‌عنوان کلیدواژه قرار گرفت، ابتدا باید بررسی کنیم که آن واژه در استعمالات عرب چه معنایی دارد و آیا قرآن همان معنا را به‌کار برده یا معنای دیگری را می‌رساند؟ چه بسا آن کلیدواژه در لغت عرب دارای مؤلفه‌ها و مفاهیمی باشد که آگاهی از آن‌ها می‌تولند ما را در فهم بهتر قرآن در آن موضوع راهنمایی کند. بنابراین، ابتدا کلیدواژگان بحث را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در بررسی واژه «محبت»، ابن‌فارس (۱۴۰۴: ۲/۲۶) معنای اصلی ریشه این واژه را لزوم (چسبیدن) و ثبات (پایداری) دانسته و استعمالات این واژگان در کلام قبایل عرب و اشعار را به معنای دل‌نکندن و دلش‌گیرکردن، شاهد بر مدعای خود می‌داند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲: ۲۱۴) «محبت» را اراده و تمایل قلبی به چیزی می‌داند که خیر دانسته یا پنداشته شده است و آن را بر سه قسم محبت لذت، محبت نفس و محبت فضل تقسیم می‌کند. ایشان معتقد است که «حبیبُ فلاناً» را این‌گونه گفته‌اند، چون معنی آن در اصل این است که در مرکز جان و دلش جا گرفتم و قلب و دلش را شایسته خود کردم. معنای «أَحَبُّتُ فلاناً» یعنی دلم را جای محبتش قرار دادم. ایشان همچنین «محبت» و «بغض» را مخالف یکدیگر دانسته و بغض را یک صفت نفسانی و به معنای دوری کردن نفس از چیزی می‌داند که از آن دوری و بی‌میلی می‌شود، برخلاف محبت که به معنای کشش و تمایل نفس به چیزی است که به آن راغب می‌شود. ابوهلال عسگری (۱۴۰۰: ۱۱۵) در توضیح عبارت «أَحَبُّتُ زیداً»، محبت را در جایی می‌داند که شما علاوه بر خود شیء، کار خیری را هم اراده کرده باشید، مثلاً علاوه بر زید، اکرام و نفع‌رسانی به زید را نیز اراده کرده باشید و هیچ اراده بد یا سوء نسبت به او نداشته باشید. ایشان «محبت» را از قبیل اراده (تمایل) و اعم از لذت و غیر لذت بیان می‌کند، برخلاف «شهوَت» که اشتیاق به لذت‌هاست. از مجموع عبارات لغویون پیرامون واژه «محبت»، این‌گونه استفاده می‌شود که محبت نوعی علاقه قلبی و دل‌بستگی نسبت به چیزی است که خوب و خیر دانسته می‌شود و آثار و نشانگانی مانند ضرر نرساندن، نفع‌رسانی و اکرام محبوب را به دنبال دارد. بنابراین «محبت» در لغت عرب از مدل مفهومی برخوردار است که موضوع و قلمرو آن «اموری است که مُحَبِّبٌ آن را خیر بداند»، و مؤلفه شناختی آن «ادراک خیر» و مؤلفه هیجانی آن «احساس علاقه به نحو دل‌بستگی» است، و دل‌بستگی یعنی این که شخص از جهت روانی نمی‌تواند از محبوب دل‌بکند و جدا شود. روان او با جدایی از محبوب آزرده می‌شود و این آزرده‌گی به مقدار شدت دل‌بستگی متفاوت خواهد بود. این مدل در قالب شکل شماره یک قابل مشاهده است.



شکل ۱: مدل مفهومی "محبت"

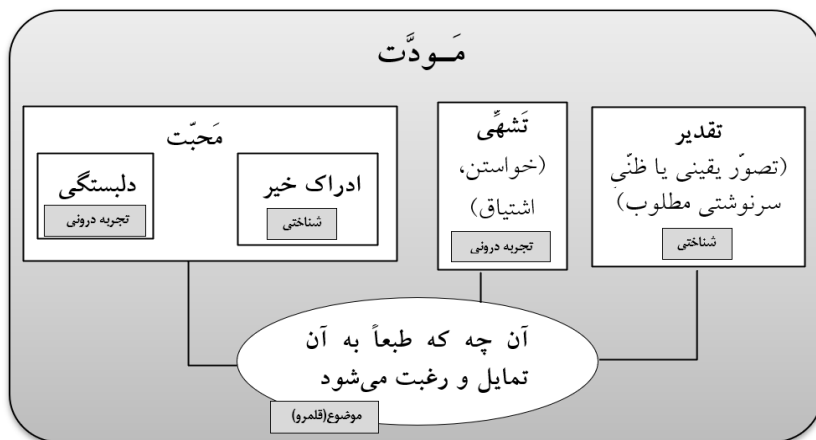
در بررسی واژه «وَدَّ»، فراهیدی (۱۴۰۹: ۹۹/۸) آن را فقط به «أَمْنِيَّة» تعریف کرده، در حالی که ابن‌فارس (۱۴۰۴: ۷۵/۶)، راغب اصفهانی (۱۴۱۲: ۸۶۰)، فیومی (۱۴۱۴: ۶۳۵/۲) و بسیاری دیگر از لغویون این واژه را به دو معنای «مَحَبَّت» و «تَمَنَّى» تعریف کرده‌اند. ابو‌هلال عسگری (۱۴۰۰: ۱۱۵) «وَدَّ» را به «حَبَّ» تعریف کرده و آن را در اموری می‌داند که به طور طبیعی مورد تمایل انسان است؛ مثلاً می‌گوییم «أَحِبُّ الصَّلَاةَ» اما نمی‌گوییم «أُوَدُّ الصَّلَاةَ»، چون صلاة عقلاً مورد تمایل است و محبت اعم از مواردی است که عقلاً مورد تمایل باشد یا طبعاً. از مجموع عبارات لغویون استفاده می‌شود که واژه «مودت» مرکب از دو معنای «مَحَبَّت» و «تَمَنَّى» در قلمرو اموری است که به طور طبیعی مورد تمایل باشد. چنان‌چه راغب اصفهانی (۱۴۱۲: ۸۶۰) موضوع‌له این واژه را جامع بین این دو معنا دانسته و آیه ۲۱ سوره روم را مصداق این معنا می‌داند و استعمال این واژه را در هر یک از معانی به تنهایی، استعمال مجازی می‌داند.

مؤلفه اول (محبت قلبی) در گذشته بررسی شد، اما مؤلفه دوم (تَمَنَّى) از منظر ابن‌فارس (۱۴۰۴: ۲۷۶/۵) به معنای «تقدیر شیء و نفاذ القضاء به» یعنی در نظر گرفتن چیزی و سپس جاری شدن قضاء بر تحقق آن فرض است، و استعمالاتی که برای آن بیان می‌شود حاکی از وجود چنین معنایی می‌باشد. مثلاً مایع نطفه را «مَنَى» نام‌گذاری کردند چون خلقت آینده آن‌ها در آن مایع انتظار می‌رود و قضاء الهی بر آن جاری می‌شود، یا مرگ را به دلیل آن که برای انسان در هر حالی مقدر است، «مَنِيَّة» می‌نامند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲: ۷۸۰) «تَمَنَّى» را «تقدیر شیء فی النفس و تصویری آن در آن... و

تشهّی حصول ما توده» به معنای در نظر گرفتن چیزی در نفس و تصور آن، و همچنین خواستن و اشتیاق تحقق آن می‌داند و معتقد است که آرزو کردن را «تَمَنّی»، و آرزوهای انسان را «مُنّی» و «أَمْنِیَّة» نامیده‌اند چون آرزو نوعی در نظر داشتن تصویری در نفس و درخواست تحقق آن است، هر چند این آرزوها از روی تخمین و ظن یا از روی مشاهده و بر اساس اصل باشد.

علامه مصطفوی (۱۳۶۸: ۱۱/۱۸۶) در جمع‌بندی عبارات لغویون، معنای اصلی تمنی را «تشهّی، خواهش و طلب نفس به حاصل شدن چیزی همراه با تقدیر و در نظر گرفتن آن» می‌داند و معنای «مطلق تقدیر» را از معانی مجازی این واژه به شمار می‌آورد. بنابراین از عبارات لغویون پیرامون واژه «تمنی» این‌گونه استفاده می‌شود که این واژه دارای دو مؤلفه «تصوّر (در نظر داشتن) امر مطلوب»، و «تشهّی» به معنای خواستن و اشتیاق امر مطلوب است که در مجموع معادل واژه‌های «انتظار امر مطلوبی را داشتن» می‌باشد؛ به این بیان که اگر شخصی امور خوبی را در چیزی تصور کند و آن را بخواهد، به این معناست که گویا منتظر بودن آن است.

در نهایت می‌توان گفت که «مودت» اخص از «محبت» و قسم خاصی از آن است، به این توضیح که اولاً مودت در قلمرو اموری است که به طور طبیعی مورد تمایل است، و ثانیاً همراه با تجربه درونی «تشهّی (اشتیاق)» است، و ثالثاً مؤلفه شناختی آن اخص از محبت است و شامل تصویرهای مطلوبی می‌شود که اشتیاق حصول آن از محبوب انتظار می‌رود؛ یعنی هم خیر بودن محبوب از جهت تصورات خوبی که به طور طبیعی از آن انتظار دارد، ادراک می‌شود. بنابراین "مودت" در لغت عرب از مدل مفهومی برخوردار است که در قالب شکل شماره دو قابل مشاهده است.



شکل ۲: مدل مفهومی "مودت"



واژگان «حَبّ» و «وَدّ» و مشتقات آنها در مجموع ۱۱۴ بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند. با این حال، هیچ‌یک از این استعمال‌ها معنای لغوی این واژگان را نفی نمی‌کنند. بر اساس اصل استعمال قرآن بر پایه لغت عرب، می‌توان دریافت که معنای لغوی این واژگان همان‌گونه که در زبان عربی متداول است، مورد نظر خداوند نیز بوده است. از این رو، لازم بود نویسندگان در ابتدای مقاله، مؤلفه‌های مفهومی کلیدواژگان مورد بحث را از منظر لغت عرب برای مخاطبان تشریح کند و سپس به تحلیل استعمال این واژگان در قرآن بپردازد. چراکه صرف ارائه ترجمه یک واژه، به تنهایی قادر به بیان مقصود گوینده یا نویسنده نیست و لازم است حقیقت لفظ از منظر شارح (خداوند) تبیین شود تا معنای مورد نظر شارح به روشنی مشخص گردد.

## ۲. عدم ارائه تحلیل از معنای محبت در خداوند متعال

نویسنده مقاله به درستی از آیات قرآن برداشت کرده است که محبت خداوند متعال شامل انسان‌های کافر، متجاوز، مفسد، متکبر، خائن، سرمست و ظالم نمی‌شود. همچنین، اوصافی مانند «رحمت»، «غفران و بخشش»، و «برّ و رفتار نیک» که همراه با محبت ذکر شده‌اند، تنها نسبت به مؤمنان و توبه‌کنندگان اعمال می‌شوند. اما سوال اینجاست: آیا در عالم تکوین، محبتی از سوی خداوند نسبت به این افراد وجود ندارد، یا اینکه محبت به ذات آن‌ها وجود دارد، اما به افعال و رفتارهایشان محبت و رضایتی نیست؟ به عبارت دیگر، آیا در محبت الهی، افعال انسان‌ها از ذات آن‌ها جدا فرض می‌شوند، یا اینکه این دو یکی هستند؟ از منظر روان‌شناختی نیز می‌توان پرسید: آیا افراد به شکل مطلق و نامشروط مورد محبت و پذیرش خداوند قرار می‌گیرند و اعمال و رفتار آن‌ها از ذاتشان جدا فرض می‌شود، در نتیجه سرزنش و عدم محبت خداوند متوجه افعال آن‌هاست، یا اینکه پذیرش و محبت خداوند مشروط به اعمال و رفتار آن‌هاست؟

برای پاسخ به این سوال، باید توجه داشت که در مفهوم‌شناسی محبت، دو مؤلفه اصلی وجود دارد: یکی شناخت خیر و کمال محبوب، و دیگری علاقه و دلبستگی به محبوب. در محبت انسان‌ها به یکدیگر، گاهی محبت فاعل به دلیل نیاز یا نقصانی است که در خود احساس می‌کند و کمال و خیر را در محبوب می‌بیند، بنابراین به او تمایل قلبی پیدا می‌کند. اما در مورد خداوند متعال، نیاز و نقصانی وجود ندارد، بلکه تمام مخلوقات محتاج و نیازمند به او هستند. بنابراین، تمایل خداوند به مخلوقات به خاطر خود آن‌هاست، همان‌گونه که آفرینش مخلوقات نیز به خاطر رحمت و رفع نیاز خود آن‌ها بوده است (هود: ۱۱۹). از این رو، مؤلفه شناختی محبت در خداوند متعال با محبت در انسان‌ها متفاوت است. اگر خداوند در مخلوقاتش کمالی از کمالات خود را مشاهده کند که تجلی یافته است، آن را دوست دارد؛ اما اگر انحراف از مسیر آفرینش و ظلمتی را ببیند، کمالی وجود ندارد و به تبع آن، محبتی نیز نخواهد بود.

بنابراین، می‌توان گفت که پذیرش و محبت خداوند متعال مطلق و نامشروط نیست، بلکه مشروط است؛ البته شرط‌های آن متفاوت است. در برخی موارد، هیچ خیر و کمالی وجود ندارد، بنابراین خداوند نه به ذات شخص محبت دارد و نه به صفات و اعمال او. این موضوع در آیاتی مانند ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ (نساء: ۳۶) و ﴿لَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَلًا أَيْمًا﴾ (نساء: ۱۰۷) و نیز در آیات دیگری مانند لقمان: ۱۸، حدید: ۲۳ و حج: ۳۸ بیان شده است. در موارد دیگر، خداوند ذات شخص را می‌پذیرد، اما اوصاف و رفتار او را نمی‌پذیرد. این موضوع در آیاتی که عناوینی مانند «الظالمین، الکافرین، المستکبرین، المفسدین، المعتدین، المسرفین، الفرحین، الخائنین» را متعلق عدم محبت قرار داده‌اند، مشهود است. از آنجا که انسان‌ها غالباً معصوم نیستند و در زندگی‌شان به چنین عناوینی متصف می‌شوند، خداوند راه توبه را بر آن‌ها گشوده است و با ایمان، ترک معصیت و انجام اعمال صالح، گناهان آن‌ها را می‌پوشاند و به حسنات تبدیل می‌کند (فرقان: ۷۰؛ احقاف: ۱۶؛ محمد: ۲؛ مائده: ۶۵).

از این توضیحات روشن می‌شود که عدم محبت خداوند لزوماً به معنای عدم محبت به ذات انسان‌ها نیست، بلکه در بیشتر موارد، ذات افراد مورد محبت و پذیرش الهی است، اما اوصاف و رفتار آن‌ها مورد پذیرش خداوند قرار نمی‌گیرد.

### ۳. عدم ارائه تصویری صحیح از اراده الهی در تحقق محبت میان انسان‌ها

این‌که نویسنده از آیات قرآن برداشت کرده است که خداوند متعال منشأ و غایت همه چیز است، و ابتکار عمل در تحقق محبت از ناحیه خداوند است و از خدا به سوی انسان‌ها به صورت متقابل و سپس انسان نسبت به هم‌نوعش جریان پیدا می‌کند، برداشت صحیحی است. اساساً اعتقاد عمیق به مالکیت خدا و توجه به اقتضائات و لوازم آن از جمله مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ضمن روشن ساختن هویت و جایگاه واقعی انسان در نظام هستی، ارتباط آدمی با خدا را وسیع و عمیق سازد و از سوی دیگر به کاهش اختلاف و انحطاط فکری و اخلاقی و رفتاری بشر در عرصه‌های گوناگون زندگی بیانجامد (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰). اما در مقاله «حب»، تحلیل روشن و دقیقی پیرامون این موضوع صورت نگرفته است که نقش انسان در این جریان چیست. آیا در مواردی که از محبت نهی شده است، اصلاً محبتی وجود ندارد؟ آیا انسانی که به خداوند متعال باور ندارد، این حقیقت را از ناحیه خداوند دریافت نمی‌کند؟ و آیا محبت در روابط کافر با هم‌نوعانش مطلوب خداوند متعال است یا خیر؟! این ابهام در جمع‌بندی ایشان از تفاسیر چهارگانه آیه مودت نیز تکرار می‌شود، چنان‌که ایشان می‌نویسند: «همه این تفاسیر مستلزم این است که محبت در دایره مؤمنان محدود باشد، چنان‌چه درباره «ولایت» نیز گفته شده است. خدا منشأ و غایت همه چیز است و این مسأله به کل قرآن جهت می‌دهد. یعنی محبت و دوستی از جانب خدا می‌آید و تنها به او باز می‌گردد».





در ابتدا باید به این مسأله توجه کرد که اراده الهی در تحقق یک شیء به دو صورت فرض می‌شود: اراده تکوینی و اراده تشریحی (سبحانی، ۱۴۱۳: ۱۲۶/۴). اراده تکوینی یعنی هر چیزی که در عالم بخواهد وجود پیدا کند، از جمله محبت، باید خداوند متعال آن را اراده کرده باشد. اراده تشریحی یعنی قانونی که خداوند متعال آن را برای بشر قرار داده و آن را اراده کرده و از انجام آن توسط بندگان رضایت دارد. مثلاً محبت و عشق در فضای ازدواج رسمی مشروع است و مورد اراده تشریحی و رضایت خداوند است. بنابراین اگر کسی محبت و عشق را در غیر از فضای ازدواج داشته باشد یا گناهی مثل زنا را مرتکب شود، فعل او قبیح است و مورد رضایت و اراده تشریحی خداوند متعال نیست، اما آن فعل محقق می‌شود چون تکویناً خدا آن را اراده کرده و تحقق بخشیده است. همچنین اراده تکوینی خداوند متعال به این معنا نیست که انسان‌ها اصلاً دخالتی در تحقق افعال و حالات درونی‌شان از جمله محبت ندارند، چنان‌چه جبریون قائل هستند (جهم بن صفوان، به نقل از: شهرستانی، ۱۴۱۵: ۱۵۴/۱)، و به معنای کسب محبت هم نیست، چنان‌چه اشاعره ادعا می‌کنند (جرجانی، ۱۴۱۲: ۱۴۶/۸). بلکه گاهی خداوند متعال فاعل مباشر و مستقیم آن است، مانند آیه ﴿وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ (طه: ۳۹)، و گاهی به اذن خودش اموری را به عنوان اسباب و علت‌های مُعَدَّة قرار داده که آن‌ها نیز در تحقق محبت تأثیر دارند (حشر: ۵؛ ابراهیم: ۲۵). در این موارد صحیح است که آن فعل را حقیقتاً هم به خدا نسبت بدهیم که علت فاعلی است و هم به اسباب و مسببات که همگی مأذون و در طول اراده الهی می‌باشند و با اجتماع علت تامه (علت فاعلی و سایر مُعَدَّات) آن فعل نیز تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۱۷۶). لذا پیامبر اسلام ﷺ در آیه مودت (شوری: ۲۳) بنا بر تفاسیر چهارگانه‌ای که وجود دارد، از مخاطبین خود تقاضای محبت و مودت دارد؛ یعنی نشان می‌دهد که بندگان در تحقق محبت نقش اساسی دارند و چنین نقشی با اسناد محبت به خداوند متعال تعارض ندارد، بلکه در طول آن است. همچنین جَعَلَ در آیه ﴿وَ جَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱) جَعَلَ تکوینی است، یعنی مودت و رحمت در آیه شریفه حقیقتاً به خداوند متعال نسبت داده می‌شود، اما به معنای نفی سببیت زوجین در تکوین و تقویت مودت و رحمت نیست، چرا که جعل تکوینی با سببیت زوجین تعارضی ندارد. به این توضیح که جعل تکوینی خدا به دو صورت است: گاهی خداوند متعال فاعل مباشر و علت تامه مودت و رحمت است، مانند محبتی که بعد از خطبه عقد بین زوجین حاصل می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۰/۸)، و گاهی خداوند متعال به اذن خودش اسباب و مسبباتی را در تحقق این دو مفهوم قرار می‌دهد، مانند مودت و رحمتی که زوجین با رابطه صحیح و درستی که دارند برای خودشان ایجاد می‌کنند. از این رو اسناد مودت و رحمتی که زوجین آن را با اقدامات و تلاش‌هایشان ایجاد می‌کنند به خداوند متعال اسناد حقیقی است. از مقدمات مذکور روشن می‌شود که:

الف. این که نویسنده مقاله ابتکار عمل در محبت را به دست خداوند می داند حرف صحیحی است، اما باید توجه داشت که بر اساس توحید ربوبی ابتکار عمل در همه امور به دست خداست و اختصاص به محبت ندارد، یعنی فرقی میان محبت با سایر مخلوقات و افعال الهی مانند آفرینش انسان، رویدن گندم، خلق بهشت و جهنم، علم و قدرت و حیات مخلوقات، هدایت و ضلالت انسان، ولایت تکوینی و تشریحی و غیره نیست و همه امور به خداوند متعال تعلق دارد.

ب. این که نویسنده دلسوزی و محبت میان انسان ها را به خداوند متعال نسبت دادند، تعارضی با اسناد محبت به خود انسان ها ندارد، چرا که فعل آن ها در عرض خداوند متعال نیست، بلکه ایجاد محبت توسط خود انسان ها به مانند سایر افعال اختیاری و غیراختیاری شان به شکل غیر مستقل و به اذن الهی است.

ج. رسمیت نداشتن عشق و محبت در روابط انسانی نزد خداوند متعال در موارد غیر ایمانی و ناسازگار با اراده الهی مانند حبّ مؤمن به کافر محارب یا حبّ کفار به یکدیگر یا حبّ انسان به شهوات و غفلت از خدا، به این معنا نیست که تکویناً در عالم واقع محبتی وجود ندارد، بلکه به این معناست که خداوند از چنین محبتی ناراضی است و آن را تشریحاً اراده نکرده است، مانند فعل معصیتی که تحقق پیدا کرده و متعلق اراده تکوینی است، اما خداوند متعال آن را تشریحاً اراده نکرده و به آن رضایت ندارد.

د. محبت کفار به هم نوعان یا خانواده یا همسرشان یقیناً مورد اراده تکوینی الهی است، و گرنه هیچ وقت چنین محبتی تحقق پیدا نمی کرد. همچنین این محبت ها اگر در راستای دشمنی با خداوند متعال و صدّ عن سبیل الله باشد، یقیناً مبعوض خداوند است و مورد اراده تشریحی الهی نیست (هود: ۱۸-۱۹). اما اگر در راستای دشمنی با خداوند نباشد، مانند ترحم کافر به شخص نیازمند یا ملاطفت و مهربانی کافر حربی با خانواده اش به خاطر اخلاق مداری، احساس مسئولیت و انسانیت، آیا مورد رضایت خداوند متعال هست یا خیر؟ در پاسخ می توان گفت که با توجه به عمومیت آیه ۲۱ سوره مبارکه روم و همچنین سیاق آیاتی که ظلم، تجاوز، کفران و دشمنی با خدا را ملاک عدم اراده تشریحی در محبت میان انسان ها بیان می کند، و اطلاق روایاتی که رحمت و مهرورزی به دیگری را سبب جلب رحمت الهی می داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ۵۴/۹)، خداوند متعال به چنین محبتی رضایت دارد. از این رو می توان مودت و رحمت میان زن و مرد کافری که بر اساس عرف و شریعتشان ازدواج کرده اند را مانند محبت میان فرعون و همسرش آسیه (قصص: ۹) مورد رضایت خداوند متعال دانست. اما این که بر مهرورزی آن ها ثواب تعلق می گیرد یا خیر، و خداوند در فضای عدالتش چگونه برخورد می کند، بحث دیگری خارج از چارچوب این مقاله است.



#### ۴. ادعای توجه اندک قرآن به مسأله محبت، خصوصاً در روابط زن و مرد

نویسنده در چند جای مقاله ادعا می‌کند که آیات اندکی از قرآن به مسأله محبت اختصاص داشته و قرآن به مسأله علاقه زن و مرد توجه اندکی کرده است. به باور او، همین موضوع سبب شده تا نویسندگان به استخراج مبانی محبت تشویق نشوند و به گردآوری و ترکیب آیات در این زمینه نپردازند. در این جا باید از نویسنده پرسید: منظور شما از توجه اندک قرآن به محبت چیست؟

**الف.** اگر منظور شما از توجه اندک، همان معنای ابتدایی است که خودتان در شروع بحث از محبت ارائه کردید، یعنی علاقه و دل بستگی که در درون شخص احساس می‌شود، از شما می‌پرسیم: آیا فقط استعمال واژگان «حَبّ» و «وَدّ» و مشتقات آن‌ها در ۱۱۴ جای قرآن، با همان معنای ابتدایی که خودتان مطرح کردید، کافی نیست؟ همچنین اگر واژگانی مانند رحمت، شفقت، تقفّد، برّ، تعطفّ، مغفرت، توبه، اکرام، احسان و غیره را که در ماده یا هیئت استعمالی آن‌ها مؤلفه محبت، دلسوزی و نرم‌دلی وجود دارد، به بحث اضافه کنیم، در این صورت پرسیده می‌شود: قرآن باید چند آیه در این موضوع داشته باشد تا توضیح آن پیرامون همین معنای ابتدایی، از منظر شما مورد توجه باشد؟! چگونه می‌توان ادعا کرد که قرآن به مسأله محبت توجه اندکی کرده است، در حالی که محبت و مهربانی فلسفه آفرینش مخلوقات دانسته شده است (هود: ۱۱۹)، و پیامبر اسلام رحمت بر جهانیان (انبیاء: ۱۰۷) و عاشق و دوستار مردم معرفی شده است، به گونه‌ای که از گمراهی حتی یک نفر اندوه و ناراحتی بر او می‌آمد (فاطر: ۸)، و امکان داشت به خاطر نجات کافران، خودش را به هلاکت بباندازد (شعراء: ۳). دینی که آمیخته با محبت است، تا حدی که از منظر امامان اهل بیت (علیهم السلام) دین همان محبت و محبت همان دین بیان شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۳/۱).

**ب.** اگر منظور شما از توجه اندک این است که در قرآن نظریه‌ای پیرامون محبت، مشابه آنچه که هاتفیلد، استرنبرگ و دیگران در روان‌شناسی مطرح کرده‌اند، بیان نشده است، باید توجه داشت که: اولاً، قرآن کتاب روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و امثال آن نیست، بلکه کتاب هدایت است (اسراء: ۹) و منبعی است که باعث پیدایش، گسترش، اصلاح و بازسازی علوم انسانی می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۲۴۷).

ثانیاً، همان طور که در بررسی لغوی روشن شد، خداوند متعال با استفاده از واژگان «حَبّ» و «وَدّ» الگویی از محبت را در روابط انسان با خدا و انسان‌ها با یکدیگر ترسیم کرده است. بنابراین، هر جا که این کلمات در قرآن به کار رفته‌اند، در واقع همان معنا و الگورا در شرایط و موقعیت خاص توصیف می‌کنند.

ثالثاً، اختلاف در تبیین این مفهوم میان دانشمندان به حدی است که تنها در میان روان‌شناسان، بیش از ۱۷ نظریه درباره Love وجود دارد که هر یک بر اساس مبانی یا یافته‌های تجربی خود تعریفی متفاوت ارائه کرده‌اند. با این حال، جالب آن است که قرآن محبت را به گونه‌ای توصیف کرده که هر نظریه‌ای می‌تواند همه یا بیشتر عناصر مورد ادعایش را از آن استخراج کند. در یک مطالعه مروری درباره دیدگاه‌های روان‌شناسان (هدایت‌شده ۱۴۰۰: ۱۴۶-۱۵۲)، مؤلفه‌هایی به عنوان عناصر مشترک میان نظریات مختلف به دست آمده که می‌توان آن‌ها را به وضوح در قرآن مشاهده کرد. به عنوان نمونه:

- "Passion" (شور، شهوت و لذت جنسی)، که در نظریات دیویس و تاد، هاتفیلد، استرنبرگ، لی، فروید، یانگ، پیس و پیرسون، اریک فروم، فرانکل، پترسون و سلیگمن به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در Love یا یکی از اقسام آن دانسته شده است، در آیات متعددی از قرآن مطرح شده و در چارچوب ازدواج مشروع توصیه شده است (مک‌اولیف، ۱۳۸۲: ۵۸۰/۴-۵۸۵).

- "Commitment" (تعهد)، که در نظریات هاتفیلد، استرنبرگ، دیویس و تاد، لی، وارینگ و فردریکسون مورد توجه قرار گرفته، در قرآن نیز به رسمیت شناخته شده است. این امر در حقوقی همچون نفقه و مهریه زنان (بقره: ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۷؛ نساء: ۳۴) و قوانین طلاق که به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که زوجین تا حد امکان به زندگی و تعهدات سابق خود بازگردند (بقره: ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲؛ طلاق: ۱-۷) مشاهده می‌شود.

- "Affection" (مهر و علاقه قلبی)، که در نظریات هاتفیلد، دانبو و مازلو ضروری دانسته شده و لی نیز در سبک‌های عشق‌ورزی به آن اشاره کرده است، با مفاهیم قرآنی محبت و مودت همخوانی دارد.

- "Intimacy" (صمیمیت)، که در نظریات دیویس و تاد، روبین و استرنبرگ به معنای بیان احساسات مثبت و منفی، راحتی با یکدیگر، فهم متقابل و شریک بودن در باورها و عقاید تعریف شده و از سوی شافر و السون، وارینگ و باگاوزی برای روابط زناشویی ضروری دانسته شده است، در قرآن نیز جایگاهی اساسی دارد. انتخاب همسر در قرآن با تأکید بر این مفهوم صورت می‌گیرد (بقره: ۲۲۱؛ نور: ۳، ۲۶، ۳۲؛ احزاب: ۳۴) و در روابط زوجین با تمثیل لباس بودن آن‌ها برای یکدیگر به تصویر کشیده شده است (بقره: ۱۸۷).

- "Attachment" (دلبستگی)، که در نظریه بالبی و پیروان او به معنای پیوند عاطفی ایمن بین فرد و مراقب او مطرح شده و از سوی سلیگمن و پیترسون به عنوان نظریه‌ای منتخب در تحلیل انواع عشق



از کودکی تا بزرگسالی شناخته شده است، در قرآن نیز نمود دارد. این مفهوم را می‌توان از آیه رضاعه (بقره: ۲۳۳) و آیات مرتبط با والدین (اسراء: ۲۳؛ لقمان: ۱۴؛ نساء: ۳۶؛ احقاف: ۱۵) دریافت کرد. همچنین، «مودت» هنگامی که در کنار «رحمت» قرار می‌گیرد، چنان‌که در آیه ۲۱ سوره روم آمده است، بر لزوم دلبستگی زوجین نسبت به یکدیگر دلالت دارد.

از این منظر، رحمت ناظر بر رفع نیازهاست، یعنی مثلاً زوج نیاز زوجه را برآورده می‌کند، و مودت بیانگر تمنا و انتظار برآورده شدن نیاز از سوی کسی است که نیاز او رفع شده است. به عنوان مثال، زوجه انتظار دارد که همسرش نیازهای او را برطرف کند، و این انتظار مطلوب با محبت و دلبستگی همراه است. هرچه این دلبستگی ایمن‌تر باشد، یعنی نیازها به خوبی برآورده شوند و تصویرهای مطلوب زوجین از یکدیگر تقویت گردد، سکونت، آرامش و رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. اما اگر دلبستگی نایمن شود، روابط زناشویی دچار نارضایتی خواهد شد.

از این رو، اصل مودت و رحمت در انتخاب همسر و استمرار زندگی زناشویی، الگویی است که خداوند متعال به صورت تکوینی مقرر کرده و انسان را فاعل بالتسبیب آن قرار داده است. بنابراین، توصیف روابط زوجین با واژگان مودت و رحمت، برخلاف آنچه نویسنده مقاله برداشت کرده است، از اسرار پنهان آفرینش نیست، بلکه از نشانه‌های آشکار الهی است که انسان با تفکر و اندیشه می‌تواند آن را درک کرده و در زندگی زناشویی خود محقق سازد تا به سکونت و آرامش دست یابد.

ج. اگر منظور شما از توجه اندک قرآن به محبت زن و مرد این است که قرآن داستان عاشقانه‌ای مانند آنچه در تورات به حضرت داوود نسبت داده شده، یا داستان‌های کهنی همچون لیلی و مجنون، یا رمان‌های معاصر، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی که عشق را به شکل‌های مختلف دونفره، مثلی و مربعی به تصویر می‌کشند، مطرح نکرده است - چنان‌که از متن نویسنده مقاله این برداشت می‌شود، آنجا که داستان یوسف و زلیخا را تنها موردی می‌داند که عشق انسانی در آن بیان شده، یا بیان قرآن را درباره ازدواج حضرت موسی با یکی از دختران شعیب ناقص می‌داند و ادعا می‌کند که قرآن به علاقه مشروع دختر شعیب به موسی اشاره نکرده است (در حالی که هیچ شاهد و قرینه‌ای نداریم که یکی از دختران شعیب قبل از ازدواج عاشق موسی بوده باشد)، و یا سکوت قرآن پیرامون کیفیت روابط عاشقانه پیامبر با همسرانش را قرینه‌ای بر عدم توجه قرآن به رابطه عاشقانه زن و مرد می‌داند - باید گفت که حرف نویسنده صحیح است. اما این، نقصان قرآن نیست؛ چراکه قرآن کتاب هدایت است و قصه‌های آن در راستای تحصیل همین غرض بیان شده‌اند (یوسف: ۳ و ۱۱۱؛ هود: ۱۲۰؛ اعراف: ۱۷۶).

حتی شاید بتوان این‌گونه تحلیل کرد که بنای خداوند متعال در توصیف روابط زن و مرد، تبیین قاطعانه مسائلی است که غالباً در روابط عاشقانه نادیده گرفته می‌شود؛ چراکه عشق زن و مرد امری طبیعی است که در آیه ۲۱ سوره روم بر آن تأکید شده و مسأله‌ای تازه و پیچیده نیست که نیاز به توصیف آن در قالب داستان عاشقانه باشد. در مقابل، مشخص کردن حدود آن، از جمله لزوم زوجیت شرعی، حقوق طرفین، تعهد، رحمت، صمیمیت و دلبستگی، امری است که می‌بایست با عبارات متعدد و به‌صورت قاطعانه بدان پرداخته شود.

د) اگر منظور شما از توجه اندک این است که آیات قرآن به‌گونه‌ای نبوده که مسلمانان بتوانند مبانی محبت را استخراج کرده و بحث جامعی ارائه دهند، پس چرا تألیفات متعددی درباره محبت به‌صورت مستقل توسط اندیشمندان اسلامی به ثبت رسیده است؟ از جمله این آثار:

۱. المحبة فی الكتاب و السنة (محمدی ری شهری، ۲۰۰۰م).
۲. الحب و البغض فی القرآن الکریم (مهایوسف جارالله الجارالله، ۱۹۹۹م).
۳. الحب فی القرآن (محمود بن شریف، ۲۰۰۲م).
۴. موسوعة الحب فی القرآن الکریم (احسان بعدرانی، ۲۰۰۷م).
۵. شجرة الحب فی القرآن الکریم (محمد عامر حاجی، ۲۰۰۸م).
۶. الحب فی القرآن و دور الحب فی حياة الإنسان (محمد سعید رمضان البوطی، ۲۰۰۹م).
۷. الحب فی القرآن الکریم (غازی بن محمد بن طلال الهاشمی، ۲۰۰۹م).
۸. معانی الحبّ و ما تصرّف منه فی القرآن الکریم (محمد جوهدی، ۲۰۱۰م).
۹. محبت در قرآن و حدیث (علی رافعی، ۱۳۹۰ش).

همچنین، اندیشمندان اسلامی که قرآن را یکی از منابع معرفتی خویش می‌دانند، محبت و عشق را از محورهای اساسی مباحث خود قرار داده‌اند. چنان‌که سهروردی، فلسفه اشراق را بر نور الهی و عشق بنا کرده است (۱۳۹۲: ۱۰۵/۴-۱۰۷)؛ ابن سینا رساله‌ای در باب عشق نگاشته (۱۳۶۰: ۹۷-۱۳۰) و در نبط هشتم و نهم اشارات و تنبیهات به این موضوع پرداخته است (۱۳۸۱: ۳۳۹ و ۳۵۳)؛ صدرالمتألهین نیز درون‌مایه نظام هستی را عشق به مبدأ و شوق به کمال می‌داند که در نهاد همه موجودات عالم به ودیعه نهاده شده است (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۰).

نظریه عشق در سراسر اندیشه‌های عرفانی ابن عربی به شکل‌های گوناگون آشکار است و کتاب الحب و المحبة الإلهیة من کلام الشیخ الأكبر محی‌الدین ابن عربی شرحی از نظرات و حالات ابن عربی در باب محبت الهی و مقام محبوبیت گرد آورده است (محمود غراب، ۱۴۱۴: ۹). عارفان مسلمان نیز بحث محبت و عشق را پایه مباحث خود قرار داده‌اند (امیری، ۱۴۰۲: ۶۳).



## ۵. عدم توجه به مراتب محبت در محبت انسان به خداوند متعال

نویسنده مقاله، محبت انسان به خدا را از ناحیه خداوند متعال دانسته و آن را مشروط به اطاعت از خدا و انبیا و سازگاری با اراده الهی بیان می‌کند. اما باید توجه داشت که این مشروط بودن به این معنا نیست که اگر انسان معصیتی مرتکب شود و از خداوند متعال تبعیت نکند، دیگر محبتی به خدا نداشته باشد؛ چراکه معرفت انسان به خدا و عشق به کمال مطلق، حقیقتی است که در فطرت همه انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است (روم: ۳۰؛ زمر: ۳۸؛ زخرف: ۸۷) و نیازی به استدلال ندارد، بلکه محتاج تذکر و رفع غفلت است. تفکر در نشانه‌های الهی می‌تواند این حقیقت بدیهی را برای انسان آشکار سازد. بنابراین، حتی انسان معصیت کار و دنیاطلب نیز با رجوع به فطرت خویش می‌تواند محبت و عشق به خدا را درک کند، اما محبت او کامل نیست و در اقل مراتب محبت قرار دارد. آیاتی که نویسنده مقاله مبنی بر لزوم تبعیت از خداوند در محبت انسان به خدا ذکر کرده، نشان‌دهنده این نکته است که محبت انسان به خدا مانع از عذاب او نمی‌شود (مائده: ۱۸). از این رو، خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره آل عمران، غفران ذنوب را نتیجه محبتی بیان می‌کند که همراه با تبعیت باشد.

## ۶. تعارض میان محبت انسان به خدا و محبت دنیا

اینکه نویسنده مقاله، انسان را میان دو راهی محبت خدا و محبت دنیا قرار داده، تحلیلی جامع و صحیح نیست؛ چراکه خداوند متعال در آیات قرآن، حب شهوات را نفی نمی‌کند و نمی‌گوید که اصل چنین محبتی غلط است و نباید باشد و اگر چنین محبتی وجود داشت، پس دیگر محبت خدا نخواهد بود. به ویژه آنکه حب دنیا منشأ بقاست و نسل بشر با وجود این محبت، بر روی زمین حفظ و تکثیر می‌شود. افزون بر این، خداوند نیز انسان را به بهره‌مندی از نعمت‌ها در همین دنیا دعوت کرده و فلسفه خلقت جهان را بهره‌مندی انسان بیان کرده است (بقره: ۲۹).

بنابراین، خداوند متعال در مواجهه انسان با دنیا نمی‌فرماید که محبت به دنیا با محبت خدا ناسازگار است، بلکه بیان می‌کند که چنین حبی برای انسان کم ارزش است و انسان بزرگ‌تر از آن است که به این محبت قانع باشد؛ بلکه این امور باید وسیله‌ای برای بندگی خداوند قرار گیرد و احکام شرعی نیز در همین راستا صادر شده است.

از این رو، محبت انسان به دنیا از منظر قرآن دو حالت دارد:

۱. اگر محبت به دنیا مقدمه و زمینه رشد انسان و در راستای عبودیت و عشق به خداوند متعال باشد، تعارضی با محبت الهی ندارد.

۲. اما اگر در برابر عشق به خدا قرار گرفته و موجب غفلت از کمال واقعی و مانع رشد انسان شود، قرآن انسان را از این نوع محبت باز می‌دارد.

## نتیجه گیری

نویسنده مقاله «حُب»، جناب آقای دنیس گریل، اندیشمندی توانمند است که از تخصص کافی برای نگارش این مقاله برخوردار بوده و کوشیده است آیات قرآن را با کلیدواژگان مناسب مورد بررسی قرار دهد و تحلیلی جامع و کامل در این زمینه به مخاطبان خود ارائه کند. دسته‌بندی‌های نویسنده و تحلیل‌های او عمدتاً با نصّ یا ظاهر آیات قرآن در تعارض نیست. همچنین، توجه وی به منشأ بودن خداوند متعال در تحقق محبت و لزوم رسمیت یافتن آن نزد خداوند، از نقاط قوت مقاله‌اش به‌شمار می‌رود.

با این حال، برخی کاستی‌ها در مقاله به چشم می‌خورد؛ از جمله:

- عدم رعایت سیر منطقی در ارائه مطالب،
- نادیده گرفتن معنای لغوی کلیدواژگان «محبت» و «مودت»،
- عدم توجه به آیاتی که مفهوم محبت را دربر دارند، اما واژه محبت در آن‌ها به کار نرفته است،
- نپرداختن به مراتب محبت،
- نداشتن نگاهی جامع به سایر آیات قرآن، از جمله آیات فطرت، آیات توحید ربوبی و آیات مرتبط با فلسفه آفرینش.

این کاستی‌ها باعث شده است که: ۱. تحلیل نویسنده از معنای محبت در قرآن کریم، کامل نباشد و مخاطبان در مطالعه مقاله با پرسش‌هایی بی‌پاسخ مواجه شوند؛ ۲. برخی ادعاهای نادرست، مانند عدم توجه قرآن به مسئله محبت، مطرح شود.

بر این اساس، مقاله انتقادی حاضر، با تکمیل نواقص مقاله نویسنده، سعی دارد:

- گزارشی ساختارمند از مقاله ارائه دهد؛
- معنای لغوی کلیدواژگان محبت و اراده از منظر قرآن را تبیین کند؛
- حقیقت محبت و فطری بودن آن را بررسی کرده و مراتب آن را مشخص نماید؛
- چگونگی توجه قرآن به محبت در روابط زن و مرد را روشن سازد؛
- و در نهایت، مقاله نویسنده را تکمیل کرده و پرسش‌های ذهنی مخاطبان را پاسخ دهد.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
۲. ابن سینا، محمدبن عبدالله، قم: بوستان کتاب، اشارات و تنبیهات، ۱۳۸۱ش.
۳. \_\_\_\_\_، تهران: مرکزی، رسائل ابن سینا، ۱۳۶۰ش.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق.
۵. اسماعیلی، سید محمد، روحی، رحمت‌الله، «آثار اعتقاد به مالکیت خدا در زندگی انسان از منظر قرآن کریم»، فصل‌نامه قرآن و علوم اجتماعی، ۱۴۰۲ش: ۱۲، ۹-۳۳.
۶. امیری، تورج، «تحول مفهوم عشق و محبت در عرفان اسلامی»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۱۴۰۲ش: انتشار آنلاین.
۷. برقی، احمد بن محمد، قم: دارالکتب الاسلامیه، المحاسن، ۱۳۷۱ش.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، تصنیف غررالحکم، ۱۳۶۶ش.
۹. جرجانی، علی بن محمد، قم: منشورات الشریف الرضی، شرح المواقف، ۱۴۱۲ق.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، بوعدار، هیثم، «بررسی مقاله قرآن و علم دایرة المعارف الیورلیمن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۹ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، «بررسی دایرة المعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۵ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، قم: دارالقلم، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، الاهیات، ۱۴۱۳ق.
۱۴. سه‌وردی، یحیی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، حکمة الاشراف، ۱۳۹۲ش.
۱۵. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، بیروت: دارالمعرفة، الملل و النحل، ۱۴۱۵ق.
۱۶. صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، مَن لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، نهاية‌الحکمة، ۱۴۱۶ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، تهران: ناصرخسرو، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش.

۱۹. عبداللهی عابد، صمد، حمزه پور، ناصر، مقدم متقی، امیر، «تسامح و تساهل در ترجمه قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۱۴۰۰ش: ۹، ۱۶۵-۱۹۴.
۲۰. عسکری، حسن بن عبدالله، بیروت: دارالآفاق الجديدة، الفروق فی اللغة، ۱۴۰۰ق.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، قم: هجرت، العین، ۱۴۰۹ق.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، قم: دارالهجرة، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، ۱۴۱۴ق.
۲۳. دنیس گریل، ترجمه: خندق آبادی، حسین، تهران: حکمت، دایره المعارف قرآن لیدن، ج ۲، ۱۴۴۳ق.
۲۴. محمود غراب، محمود، دمشق: دارالکاتب العربی، الحب و المحبة الإلهية من کلام الشيخ الأكبر، ۱۴۱۴ق.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، آموزش فلسفه، ۱۳۶۶ش.
۲۶. مصطفوی، حسن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸ش.
۲۷. محمدی، مقصود، «عشق درونمایه نظام هستی در حکمت متعالیه»، خردنامه صدرا، ۱۳۹۲ش: ۷۲، ۲۱-۳۰.
۲۸. موسوی خمینی، روح الله، مقرر: موسوی اردبیلی، عبدالغنی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تقریرات فلسفه امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۱ش.
۲۹. \_\_\_\_\_، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، الطلب و الاراده، ۱۴۲۱ق.
۳۰. نوری، حسین بن محمدتقی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق.
۳۱. هدایت شده، سعید، مدل مفهومی «مودت» و «رحمت» در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی و مقایسه آن با مفاهیم مرتبط در دانش روانشناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۴۰۰ش.
۳۲. [www.saphirnews.com](http://www.saphirnews.com)، اخبار سفیر، کلارا مورنر، ۲۰۱۹م.
۳۳. [www.iremam.cnrs.fr](http://www.iremam.cnrs.fr)، اریمام، ذیل عنوان دنیس گریل.
34. Jane Dammen McAuliffe. "Love and Affection". Encyclopaedia of the Qurān. Brill, Leiden–Boston–Köln. 3. 2003.
35. Peterson, Ch. Selgman, M. E. P. Character Strengths and Virtues: A Handbook and Classification. oxford university press. 2004.



## Resources

1. *Qur'an Karīm (The Holy Qur'an)*, Translated by Nāṣir Makāram Shīrāzī, Qom: Dār al-Qur'an al-Karīm (Printing Press of the Noble Qur'an), 1373 SH (1994 CE).
2. 'Abdullāhī 'Ābid, Ṣamad, Ḥamzahpūr, Nāṣir, Muqaddam Mutaqī, Amīr, "*Tasāmuḥ wa Tasāhul dar Tarjumah-yi Qur'an Karīm*" (*Tolerance and Leniency in the Translation of the Noble Qur'an*), Dū Fasl-nāmah-yi Muṭālī'āt-e Sabk-shināsī-yi Qur'an Karīm (Biannual Journal of Stylistic Studies of the Noble Qur'an), 1400 SH (2021 CE): 9, 165-194.
3. 'Askarī, Ḥasan bin 'Abdullāh, *Al-Furūq fī al-Lughā (Linguistic Differences)*, Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah (New Horizons Publishing House), 1400 AH (1980 CE).
4. Amīrī, Tūrāj, "*Tahawwul-e Maḥmūm-e 'Ishq wa Maḥabbat dar 'Irfān-e Islāmī*" (*The Transformation of the Concept of Love and Affection in Islamic Mysticism*), Fasl-nāmah-yi Zabān wa Adabiyāt-e Fārsī (Quarterly Journal of Persian Language and Literature), 1402 SH (2023 CE), Online Publication.
5. Barqī, Aḥmad bin Moḥammad, *Al-Maḥāsīn (The Virtues)*, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Book House), 1371 SH (1992 CE).
6. Denis Gril, Translated by Khandaghābādī, Ḥusayn, *Dā'irat al-Ma'ārīf-e Qur'an-e Lāydan, Jild-e 2 (The Encyclopaedia of the Qur'an by Leiden, Vol. 2)*, Tehran: Ḥikmat (Wisdom Publishing), 1443 AH (2022 CE).
7. Farāhīdī, Khalīl bin Aḥmad, *Al-'Ayn (The Source)*, Qom: Hijrat (Hijrah Publishing), 1409 AH (1988 CE).
8. Fayūmī, Aḥmad bin Moḥammad, *Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr (The Illuminating Lamp in the Explanation of Rare Words)*, Qom: Dār al-Hijrah (Printing Press of Migration), 1414 AH (1993 CE).
9. Hidāyatshudah, Sa'īd, *Mudel-e Maḥmūmī-yi "Mawaddat" wa "Raḥmat" dar Ravābiḥ-e Hamsarān bar Asās-e Manābī'-e Islāmī wa Muqāyisah-yi Ān bā Maḥāḥim-e Muta'alliq dar Dānish-e Ravānshināsī (The Conceptual Model of "Affection" and "Mercy" in Marital Relations Based on Islamic Sources and Its Comparison with Related Concepts in Psychology)*, Qom: Dānīshgāh-e Qur'an wa Ḥadīth (University of Qur'an and Ḥadīth), 1400 SH (2021 CE).
10. Ibn Fāris, Aḥmad, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā (Dictionary of Linguistic Measures)*, Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmī (Islamic Information Office Press), 1404 AH (1984 CE).
11. Ibn Sīnā, Moḥammad bin 'Abdullāh, *Al-Ishārāt wa al-Tanbīhāt (Remarks and Admonitions)*, Qom: Bustān-e Kitāb (The Bustan Ketab Press), 1381 SH (2002 CE).
12. Ibn Sīnā, Moḥammad bin 'Abdullāh, *Rasā'il Ibn Sīnā (Treatises of Ibn Sīnā)*, Tehran: Markazī (Central Publishing), 1360 SH (1981 CE).
13. Ismā'īlī, Sayyid Moḥammad, Rūḥī, Raḥmatullāh, "*Āthār I'tiqād bih Mālīkiyyat Khudā dar Zīndagī-yi Insān az Manẓar-e Qur'an Karīm*" (*Effects of Belief in God's Ownership in Human Life from the Perspective of the Noble Qur'an*), Fasl-nāmah-yi Qur'an wa 'Ulūm-e Ijtimā'ī (Quarterly Journal of the Qur'an and Social Sciences), 1402 SH (2023 CE): 12, 9-33.
14. Jane Dammen McAuliffe. "*Love and Affection*". Encyclopaedia of the Qurān. Brill, Leiden–Boston–Köln. 3. 2003.
15. Jurjānī, 'Alī bin Moḥammad, *Sharḥ al-Mawāqif (Commentary on the Mawaqif)*, Qom: Manshūrāt al-Sharīf al-Raḍī (Publications of Sharīf Raḍī), 1412 AH (1992 CE).
16. Maḥmūd Ghurāb, Maḥmūd, *Al-Ḥubb wa al-Maḥabbah al-Ilāhīyah min Kalām al-Shaykh al-Akbar (Divine Love and Affection in the Words of the Greatest Shaykh)*, Damascus: Dār al-Kātib al-'Arabī (The Arab Writer's House), 1414 AH (1994 CE).

17. Miṣbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Āmūzish-e Falsafah (Philosophical Instruction)*, Qom: Sāzmān-e Tablīghāt-e Islāmī (Islamic Preaching Organization), 1366 SH (1987 CE).
18. Moḥammadī, Maqṣūd, “*Ishq Darūn-māyah-yi Niẓām-e Hastī dar Hikmat-e Mutā’āliyah*” (*Love as the Essence of the Ontological System in Transcendent Wisdom*), Khirad-nāmah-yi Ṣadrā (Ṣadrā’s Journal of Wisdom), 1392 SH (2013 CE): 72, 21-30.
19. Mūsawī Khomeinī, Rūḥullāh, *Al-Ṭalab wa al-Irādah (Desire and Will)*, Tehran: Mu’assasah-yi Tanzīm wa Nashr-e Āthār-e Imām Khomeinī (Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works), 1421 AH (2000 CE).
20. Mūsawī Khomeinī, Rūḥullāh, Compiled by Mūsawī Ardabīlī, ‘Abd al-Ghanī, *Taqrīrāt-e Falsafah-yi Imām Khomeinī (Quḍs Sirruhū) (Philosophy Notes of Imam Khomeini [May His Soul Be Sanctified])*, Tehran: Mu’assasah-yi Tanzīm wa Nashr-e Āthār-e Imām Khomeinī (Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works), 1381 SH (2002 CE).
21. Muṣṭafawī, Hasan, *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur’ān al-Karīm (An Investigation of the Words of the Noble Qur’an)*, Tehran: Vizārat-e Farhang wa Irshād-e Islāmī (Ministry of Culture and Islamic Guidance), 1368 SH (1989 CE).
22. Nūrī, Ḥusayn bin Moḥammad Taqī, *Mustadrak al-Wasā’il wa Mustanbat al-Masā’il (Supplement to the Means of Legal Proofs and Inferred Issues)*, Qom: Mu’assasah-yi Āl al-Bayt (‘alayhim al-salām) (Āl al-Bayt (‘a) Foundation), 1408 AH (1988 CE).
23. Peterson, Ch. Selgman, M. E. P. *Character Strengths and Virtues: A Handbook and Classification*. Oxford University press. 2004.
24. Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn bin Moḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qur’ān (Lexicon of Qur’anic Terms)*, Qom: Dār al-Qalam (House of the Pen), 1412 AH (1992 CE).
25. Riḍā’ī Iṣfahānī, Moḥammad ‘Alī, “*Barrasi-yi Dā’irat al-Ma’ārif-e Qur’ān-e Lāydan*” (*Analysis of the Encyclopaedia of the Qur’an by Leiden*), Qur’ān-pajūhī-yi Khāwarshinasān (Orientalists’ Quranic Studies), 1385 SH (2006 CE).
26. Riḍā’ī Iṣfahānī, Moḥammad ‘Alī, Bū’adhār, Haytham, “*Barrasi-yi Maqālāh-yi Qur’ān wa ‘Ilm-e Dā’irat al-Ma’ārif-e Āl-yūrlīman*” (*Analysis of the Article on the Qur’an and Science in the Encyclopedia of E.J. Brill*), Qur’ān-pajūhī-yi Khāwarshinasān (Orientalists’ Quranic Studies), 1399 SH (2020 CE).
27. Ṣadūq, Ibn Bābawayh, Moḥammad bin ‘Alī, *Man Lā Yahḍuruḥu al-Faqīh (For Those Without Access to a Jurist)*, Qom: Daftar-e Intishārāt-e Islāmī (Islamic Publications Office), 1413 AH (1993 CE).
28. Shahrastānī, Moḥammad bin ‘Abd al-Karīm, *Al-Milal wa al-Niḥal (The Sects and the Creeds)*, Beirut: Dār al-Ma’rifah (House of Knowledge), 1415 AH (1995 CE).
29. Subḥānī Tabrīzī, Ja’far, *Ilāhīyāt (Theology)*, Qom: Mu’assasah al-Imām al-Ṣādiq (Imam Sadiq Institute), 1413 AH (1993 CE).
30. Suhrawardī, Yaḥyā, *Hikmat al-Ishrāq (The Philosophy of Illumination)*, Tehran: Bunyād-e Hikmat-e Islāmī-yi Ṣadrā (Sadra Islamic Philosophy Foundation), 1392 SH (2013 CE).
31. Ṭabarīsī, Faḍl bin Ḥasan, *Majma’ al-Bayān li-’Ulūm al-Qur’ān (The Compendium of Qur’anic Sciences)*, Tehran: Naṣīr Khusraw (Nasir Khosrow Publishing), 1372 SH (1993 CE).
32. Ṭabātabā’ī, Moḥammad Ḥusayn, *Nihāyat al-Hikmah (The End of Wisdom)*, Qom: Jāmi’ah-yi Mudarrisin-e Hawzah-yi ‘Ilmīyah-yi Qom, Daftar-e Intishārāt-e Islāmī (Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom), 1416 AH (1996 CE).
33. Tamīmī Āmadī, ‘Abd al-Wāḥid bin Moḥammad, Edited by Muṣṭafā Dirāyatī, *Taṣnīf Gharar al-Hikam (Classification of Wise Sayings)*, Qom: Daftar-e Tablighāt-e Islāmī (Islamic Preaching Office), 1366 SH (1987 CE).
34. www.iremam.cnrs.fr, Irēmām, *Entry on Denis Gril*.
35. www.saphirnews.com, *Akhbār-e Safir (Saphir News)*, Clara Mörner, 2019 CE.